

تحلیل سبک‌شناختی رسالهٔ مجدیه

سید کمال شریفی* / نرگس اسکویی** / عزیز حجاجی کهجوق***

چکیده

رسالهٔ مجدیه، نوشتهٔ میرزا محمدخان مجدالملک، جزو نخستین آثار انتقادی منشور فارسی دورهٔ ناصری است. این اثر همگام با جریان بیدارسازی ادبیات مشروطه، جهت تنویر افکار و اصلاح امور، نابسامانی‌های عصر را در قالب نثری استوار با زبانی انتقادی و طنزآمیز به تصویر کشیده است. منتقدان بسیاری در کنار ارزش‌های تاریخی-اجتماعی این اثر، از اهمیت ادبی آن سخن گفته‌اند. مصحح کتاب، سعید نفیسی، آن را بزرگ‌ترین شاهکار نثر فارسی قرن سیزدهم نامیده است. مسئلهٔ اصلی این تحقیق، جست‌وجوی مختصات ادبی ممتاز این اثر و تحلیل برجستگی‌های زبانی و بلاغی آن با رویکرد سبک‌شناسی ساخت‌گرا بوده است. در این مقاله، به روش توصیفی-تحلیلی، ویژگی‌های سبکی رسالهٔ مجدیه در سه سطح زبانی، بلاغی و فکری مورد بررسی قرار گرفت و این نتایج به دست آمد: در سطح زبانی، غلبه با کاربرد واژگان، ترکیبات، اعلام و مقیاس‌های صرفی عربی است که متن را از سادگی زبان دور کرده و انواع قابلیت‌های ادبی و هنری را بر آن افزوده است. مهم‌ترین ویژگی نحوی اثر، کاربرد افعال وصفی و وجهیت اخباری با قطعیت بالا است. در سطح ادبی، استفادهٔ فراوان از صنایع بدیع لفظی مانند جناس، سجع، ازدواج، تضمین‌المزدوج، ترصیع و موازنه، موجد موسیقی کلام درونی قوی در این متن و همچنین آراستگی زبانی این اثر بوده است. کاربرد فراوان صنایع بدیع معنوی نظیر تضاد، تلمیح، تناسب، تضمین و تمثیل، علاوه بر اینکه فرصت استدلال و قیاس و استشهاد را برای مؤلف فراهم آورده، بر ادبیت متن افزوده و در برخی مواقع آن را متمایل به نثر فنی ساخته

* دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران

** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران (نویسنده مسئول)

noskooi@yahoo.com

*** استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، بناب

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۱/۱۶ - پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۶/۱۰

است. در سطح بلاغی، کاربرد کنایه و تعریض به دلیل نقش مؤثر آن در طنزسازی، در مقایسه با ابزارهای بلاغی دیگر، جلوه هنری تری دارد. در سطح فکری، انتقاد از عدم اجرای عدالت، بی کفایتی کارگزاران حکومتی، انتقاد از اوضاع اقتصادی و فسادهای حاکمیتی و ارائه پیشنهادهاى اصلاحی/آرمانی در ابعاد مختلف سیاسی و اجتماعی، گفتمان اصلی اثر را تشکیل می‌دهد.

کلیدواژه: رساله مجدیة، ادبیات انتقادی، ادبیات قاجاریه، سبک‌شناسی نثر، مختصات سبکی.

۱. مقدمه

رساله مجدیة (یا کشف الغرائب) در سال ۱۲۸۶ ه. ق نوشته شده است. این رساله از نخستین رساله‌های انتقادی آغاز نیمه دوم سلطنت ناصرالدین شاه و از شاهکارهای ادبی این دوران است. نویسنده این اثر، مجدالملک را می‌توان از نخستین نویسندگان متجدد این زمان به شمار آورد. در این رساله، مجدالملک با روایت‌های زیرکانه به انتقاد از ناکارآمدی نظام حکومتی ایران پرداخته و بر مؤلفه‌های حکومت‌مندی و اهمیت قانون و حکومت قانون تأکید کرده است. دفاع از ضرورت نوگرایی و اصلاحات در حکومت و جامعه ایران، درون‌مایه اصلی این کتاب است (آجدانی، ۱۳۹۱: ۲۱).

چگونگی آشنایی مجدالملک با تمدن غرب و تأثیرگذاری مؤلفه‌های حکومت‌مندی مدرن بر اندیشه‌اش را باید در سفری که به روسیه داشت، جست‌وجو کرد. آشنایی وی با صدر اعظم شهیر و ترقی‌خواه عصر، امیرکبیر و افکار بلند وی و نیز ارتباطش با قفقاز، او را با ترقیات دنیای مدرن آشنا کرد و از وی منتقدی آگاه و اندیشمند ساخت. مجدالملک از معدود روشنفکران و اصلاح‌طلبانی است که در سلک و زمرة درباریان، از نزدیک در جریان وقایع دربار قاجار بوده است. مؤلف رساله مجدیة برخلاف جریان روشنفکری غرب‌زده این عهد، آن‌چنان اسیر و واله فرهنگ و تمدن غربی نشد که یکسره بر فرهنگ و سنن ایرانی خود پشت پا بزند و ریشه همه معضلات جامعه خود را در دیانت و میراث فرهنگی بجوید (نصری، ۱۳۸۶: ۸۷). مجدالملک رساله خود را نخست به صورت دست‌نوشته انتشار داد که در اصل، شکل بیانیه سیاسی یا نامه

سرگشاده خطاب به اولیای امور برای اصلاحات داشت (طباطبایی، ۱۳۹۲: ۴۳۵). نویسندهٔ این اثر، معایب و نقایص را به هوشمندی دریافته و برحسب وظیفه و برای بیدارسازی عموم و مقاصد آرمانی و اصلاحی، منظوره‌های سیاسی و اجتماعی را در قالب رساله‌ای برآمده از ذوق ادبی سلیم و نثری شیوا مکتوب ساخته است. یکی از نکات مهم درخصوص این رساله آن است که خوانندهٔ آن باید برای دریافت اندیشه‌های انتقادی مؤلف، با ظرایف زبانی و بازی‌های نحوی و بلاغی ادبیات فارسی، از جمله کنایات و تلمیحات آن آشنایی داشته باشد (همان: ۳۵۳-۳۵۴).

۲. بیان مسئله

عصر قاجار یکی از مهم‌ترین دوره‌های ورود ایران به مرحله‌ای تازه از حیات سیاسی- اجتماعی و مدرنیته است. شناخت آثار منثور این عصر می‌تواند در شناخت دیگر ابعاد و نشانه‌های اجتماعی، فرهنگی و ادبی این دوره سودمند باشد. از طرف دیگر، شناخت این آثار، داده‌های بسیاری از شرایط تحوّل نثر فارسی معاصر را در اختیار پژوهش‌های ادبی قرار خواهد داد. مسئلهٔ اصلی این تحقیق، بررسی سبک‌شناسانهٔ رسالهٔ مجدیه با رویکرد سبک‌شناسی ساخت‌گرا، برای برجسته‌تر کردن نقش و سهم ادبیات و بیان هنری در آگاهی‌بخشی و بیدارسازی ملت ایران در عصر قاجار و آشنا ساختن آنان با موانع پیش روی رفاه و تجدّد بوده است.

۳. پیشینهٔ پژوهش

رسالهٔ مجدیه از آغاز انتشار همواره مورد توجه مورّخان و محققان قرار گرفته است. اعتمادالسلطنه در *صدرالتواریخ و المآثر و الآثار* از استعداد و ذکاوت نویسنده‌گی مجدالملک تمجید می‌کند. احمدخان ملک ساسانی (۱۳۷۹) در کتاب *سیاست‌گذاران دورهٔ قاجار*، این رساله را اثری فصیح و بلیغ می‌داند که اوضاع نابسامان ایران آن زمان را به تصویر می‌کشد. فریدون آدمیت (۱۳۹۲) در کتاب *اندیشهٔ ترقی و حکومت قانون*، این رساله را ارزنده‌ترین کتابی می‌داند که به رفتار و منش حاکمان و نخبگان

ایران پرداخته است. جواد طباطبایی (۱۳۹۲) در کتاب *تأملی درباره ایران*، آن را اولین رساله انتقادی دوره ناصری می‌داند. زرین کوب (۱۳۷۳) در کتاب *تاریخ ایران بعد از اسلام*، نقدی بر کنایات و تعریض این رساله دارد و شیوه نویسنده کی مجدالملک را نمی‌پسندد. کاردگر و موسوی (۱۳۹۸) در مقاله «شگردهای انتقادی در رساله مجدییه»، این رساله را از نظر گفتمان انتقادی و طنز مورد بررسی قرار داده‌اند. مطابق جست‌وجوی نگارندگان این مقاله، تاکنون پژوهش مستقلی درباره وجوه ادبیت و مختصات برجسته سبکی رساله مجدییه انجام نشده است؛ در حالی که غالب محققان و منتقدانی که از رساله مجدییه سخن گفته‌اند، جنبه‌های ادیبانه این اثر را ستوده‌اند. بنابراین لزوم انجام تحقیقی که وجوه ادبیت این متن را برجسته نماید، ضرورت می‌یابد که تحقیق حاضر، آن را هدف خود قرار داده است.

۴. ویژگی‌های زبانی رساله مجدییه

۴-۱. ویژگی‌های صرفی

۴-۱-۱. فراوانی واژگان و کاربرد صرفی کلمات به قیاس عربی

متن کتاب مشحون از کلمات، عبارات، شواهد قرآنی و مثل‌های عربی است. درصد لغات عربی بسیار بیشتر از زبان فارسی می‌نماید و آمیختن نثر با نظم (اغلب اشعار عربی) و سایر شواهد از زبان عربی، درجه عربیت متن را به شدت افزایش داده است.

این امر علاوه بر آنکه درصد کاربرد زبان عربی در متن را بسیار بالا برده است، در مرحله بعد، نثر را از سادگی دور می‌سازد و بر دشواری آن می‌افزاید. «حشر و نشر ایرانیان با زبان و فرهنگ عربی و اسلامی از طریق مدارس و مطالعات و اعمال و شعایر روزانه و نیز ترجمه متون عربی به فارسی از همان نخستین سال‌های ورود اسلام به ایران، به‌طور تدریجی هم بر تغییر سبک خراسانی به عراقی در شعر و هم بر فرایند شکل‌گیری نثر فنی از درون نثر مرسل، تأثیر اساسی برجای گذاشت. آموزش علوم

متداول عصر، فعالیت در مشاغل دیوانی، به‌خصوص دبیری در دربارها و منشآت نویسی، تمرکز محفل‌های ادبی بر تفتن طلبی‌ها و صناعتگری‌های شعری نیز از عوامل تأثیرگذار بر نثر فنی بود که علاوه بر افزودن بر تخصص نویسندگان و توقعات مخاطبان، ملازمات حرفه‌ها را نیز با نثر فنی همراه ساخت. تأثیر گذر زمان بر تغییر علایق، خودسانسوری، ملاحظات سیاسی، تجربیات متفاوت فردی و افزایش گسترهٔ جهان‌بینی و اشراف بر فرهنگ‌ها را نیز نمی‌توان بر نثر فنی نادیده انگاشت» (شیری، ۱۳۸۹: ۵۱). فراوانی کاربرد زبان عربی در سطح زبانی این کتاب بیشتر در اشکال زیر قابل رؤیت است:

۲-۱-۴. کاربرد انواع جمع‌های عربی

در رسالهٔ مجدیه، به سیاق نثر فارسی این عهد، بهره‌مندی از نشانه‌های جمع عربی، چه به شکل جمع‌های سالم مذکر و مؤنث و چه در شکل انواع ساختارهای جمع مکسر، بسامد بالایی دارد. یکی از چشمگیرترین مختصات صرفی متن رسالهٔ مجدیه، ساختار جمع‌های عربی، چه به شکل صحیح و چه به شکل جعلی (جمع‌های ساختگی) است:

- «که از خبر ناخوشی یکی از محترمین دولت که بلاعوض است» (رساله، ۴).
 - «مردم ایران را از اطوار ناملایم این رئیس خلاصی نیست» (۷۴).
 - «و ظهورات عوالم هفت‌گانه همچنان آهن طبیعتشان سرد است» (۷).
 - «یا به وسایل آسمانی و مواعید صادقانهٔ میرزا نصرالله خدا» (۷۰).
 - «در آحاد و افراد ایشان یک صفای باطن به هم رسیده» (۴۱).
 - «که همه از جعلیات خوانین سرحدیه (است)» (۲۱).
- جمع کلمات با علامت «جات» و استفادهٔ صفات عربی برای این نوع جمع‌ها نیز از ویژگی‌های پرتکرار نثر کتاب است:
- «نوشتجات سرحدیهٔ خراسان که همه از جعلیات خوانین سرحدیه (است)» (۲۱).

- «به نوشتجات مجعوله سرحد حکومت خراسان را مضطرب و ملجا می‌کنند» (۲۳).

۳-۱-۴. کاربرد فراوان کلمات/صفات با تای تأنیث

در نثر کتاب، به سیاق عربی از مطابقت صفت و موصوف، به‌ویژه در جنسیت، استفاده بسیاری شده است. این کارکرد که در نثر عهد قاجار مرسوم است، جزو ویژگی‌های اصلی متن و البته تمهیدی برای ساخت انواع بازی‌های بدیعی (نظیر جناس و سجع) است که در جای خود به آن‌ها اشاره خواهد شد:

«در ازای خدمات مذکوره، خود را مستحق هیچ امتیازی نمی‌دیدند» (۷۶).

«و با مناصب متعدده و متضاده به شخص واحد تفویض یابد» (۱۲).

«در تحلیل بردن بلاد سرحدیه ایران برای او سکنه رو ندهد» (۵۴).

«مثل وقوع ناخوشی‌ها و حسن معالجات و تدابیر حفظ صحّت و مفید واقع شدن ادویه‌جات مجریه مستحذثه...» (۴۶).

۴-۱-۴. به‌کارگیری انواع قیود به سیاق عربی

بخش دیگری از فراوانی کلمات عربی در این متن، مربوط به استفاده زیاد از قیود عربی است:

«سراً و جهراً اسعاد و امداد می‌بینند» (۳۹).

«خودش را مغلولاً به دارالخلافة گسیل نمودند» (۲۱).

«بالفعل در اولین درجه بی‌رجوعی واقع شده‌اند» (۱۴).

«مترصدند که علی‌الغفله رشته امور از یکدیگر گسسته شود» (۳۷).

«طمع سرشارشان حرکت کرده، سعیداً و شقیماً، هل من مزیدگویان مشق صدارت می‌کنند» (۵۷).

۵-۱-۴. فراوانی ترکیبات عربی

انواع ترکیبات عربی با کارکرد اسمی، وصفی یا قیدی در رساله مجدیه به‌وفور دیده می‌شود:

«این مجلس صحیح‌الاعضا را تشکیل خواهند داد» (۳۷).

«عمری است عراق عجم از اقتدار او مسمومة‌المذاق...» (۳۲).

چند لقمهٔ حاضری که سبک و سریع‌الهضم و مختصر بود» (۳۴).

۶-۱-۴. فراوانی اعلام (فارسی، عربی، ترکی و...)

در رسالهٔ مجدیة به فراخور موضوع، نویسنده در خلال انتقادات، مجبور به آوردن مصادیقی از وقایع و اتفاقات است. به دلیل چنین اشارات تاریخی و روایت وقایعی از گذشته و حال در متن رسالهٔ مجدیة، اعلام اشخاص و مکان‌ها از زبان‌های مختلف فارسی، عربی، ترکی و... در این اثر به فراوانی دیده می‌شود. البته مؤلف کاربرد این اسامی را اغلب با بازی‌های لفظی و بدیعی همراه ساخته و در محور همنشینی کلمات، از هم‌جواری کلمات هم‌واج، موزون، مقفًا، متضاد یا مترادف برای انواع هنرنمایی‌های ادبی سود جسته است:

- «حاضر است که به برکت سیدالشهدا (ع) عطش خود را به آب درّوس بنشاند و در باغ فردوس آسوده نشیند» (۵۸).

- «ریاست کلیهٔ ایران... ساحت وسیع‌الفضای ایران را بر اهالی مملکت مثل زندان کرده و خود در یوسف‌آباد که حظیرهٔ قدس و محفل انس اوست به غرس اشجار مشغول است» (۷۰).

- «در سفر افغانستان، مرحوم محمدشاه... مهمات حریبه به هرات می‌رفت... با هدایای نیکو، نیکولا، امپراطور روس را کنار ارس پذیرایی کرد» (۷۶).

- «از خرابی درجز و مخلوقی... قیاس خواهند کرد که سازش امیرحسین خان ایلخانی و حیدرقلی خان سهام‌الدوله با ترکمانان سازشی است دائم و قائم» (۲۳).

- «محال چمچال و بیستون تا زهاب و قصر شیرین ملک طلق او شده» (۲۵).

۲-۴. تحلیل و بررسی سطح نحوی رسالهٔ مجدیة

۱-۲-۴. کوتاهی / بلندی جملات

در مطالعات سبک‌شناسی، سنجش کوتاهی یا بلندی جملات، از اهمیت بسیاری برخوردار است. تعیین این شاخصه، می‌تواند نشانگر عوامل بسیاری نظیر سرعت روایتگری نویسنده یا مکث او در شرح وقایع باشد. در رسالهٔ مجدییه فراوانی جملات کوتاه و بلند تقریباً برابر است. نویسنده گاهی به مقتضای کلام از جملات کوتاه و در برخی مواقع به ضرورت تشریح و تفصیل، از جملات بلند استفاده کرده است. تفاوت معناداری در غلبهٔ یکی از این دو نوع جملات در متن به چشم نمی‌آید:

- «تمام اهل ایران یا ظالم‌اند یا مظلوم‌اند» (۷۲).

جملات طولانی‌تر، اغلب یا به سیاق نحو خودکار فارسی و ساختار جملات پیوسته طولانی شده‌اند یا در اولویت بعدی، علاقه‌مندی نویسنده در به‌کارگیری جلوه‌های ادبی، بازی‌های زبانی، تمثیلات، شواهد و مثل‌ها و ابزارهای بلاغی است که بر طول جملات می‌افزاید. ربط جملات به یکدیگر معمولاً از طریق حروف عطف یا حروف تأویلی انجام می‌گیرد:

- «پیدا است که از شوره سنبل نروید و از سموم فعل نسیم نیاید. بیش از آنکه مسطورات او معروض افتد سخط دیده، سقط شنید. به ایقان و شهود (پیوست که) شقاوت حرمه متعدی‌ست و از وزیر علوم لازم» (۶۶-۶۷).

- «افشاریک افسار اسبان توپخانه را به دست گرفته، مست بادهٔ عرفان است و محو نظارهٔ جانان، فریاد می‌کند: ای مسلمانان، اگر به من رحم نمی‌کنید، باری به این زبان‌بسته‌ها رحم کنید که عمری‌ست مزهٔ جو نچشیده‌اند و آبشان کشیده شده. در این اثنا از هاتف غیبی جواب می‌شنود که: ای کورباطن، مگر نمی‌بینی افسار کارها به دست زبان‌بسته‌ای است که دولت ایران از سکوت او سکنه کرده و آن‌قدر آدم نیست که علیق الاغ‌های یوسف آباد را منظم کند» (۴۴).

روش پربسامد نویسنده برای ربط جملات به یکدیگر، استفاده از وجه وصفی است. نویسندهٔ رسالهٔ مجدییه ۲۱۶ بار از وجه وصفی استفاده کرده است که درصد بالایی از جملات را به خود اختصاص می‌دهد:

- «در ایران این رسم متروک شده و به جای آن آتش‌ها از ظلم و بدعت روشن است» (۱).

- «همین نفاق و نفسانیت سبب تفریق علما شده و ایشان را در سه درجه استقرار داده» (۸).

- «که در خانهٔ خود به کرایه‌نشینی قناعت کرده و جمیع ظالمان قوی پنجه... همّتی گماشته‌اند» (۷۲).

- «... به خودشان از امور ملکی کاری سپرده نشده» (۱۶).

- «به کلی از غیرت شاه‌پرستی دست کشیده و از برای محافظت جان و مال خود اسبابی بچینند» (۴۹).

- «ثبات قدم ورزیده، یکی خود را وزیر جنگ می‌داند» (۳۸).

۳-۲-۴. جملات پیوسته یا گسسته

کاربرد جملات پیوسته بر طول جملات، مکث روی آن‌ها، افزایش حشوهای توضیحی و تشریحی یا بلاغی می‌افزاید و نقش مؤثری در سنگینی کفهٔ ترازوی سنجش نثر به طرف اطناب دارد. از لحاظ کاربرد جملات گسسته یا پیوسته (ساده یا مرکب)، مثل جملات کوتاه و بلند، در رسالهٔ مجدیّه شیوهٔ یکدست و یکپارچه‌ای به چشم نمی‌آید و از این رو متن را می‌توان دارای فراز و فرود ارزیابی کرد؛ زیرا گاهی تمایل نویسنده به اطناب و طول و تفصیل جملات است و گاهی به سرعت و سادگی از مباحث رد می‌شود و درنگ چندانی در شرح و بسط وقایع نشان نمی‌دهد:

۴-۲-۴. وجهیت و قطعیت جملات

تعیین وجوه جملات، اطلاعات مؤثر و زیرساختی دربارهٔ ابعاد ادبی و گفتمانی یک متن در اختیار محقق سبک‌شناس قرار می‌دهد. کاربرد و فراوانی هریک از وجوه مختلف اخباری، التزامی، امری یا عطفی می‌تواند بیانگر انواع دیدگاه‌ها و تکیه‌گاه‌های ایدئولوژیکی نویسنده باشد و گواهی بر قطعیت یا عدم قطعیت او در روایتگری متن قرار گیرد. نمودار زیر، نمایشگر فراوانی انواع وجهیت در رسالهٔ مجدیّه است:



نمودار توزیع فراوانی وجهیت در رسالهٔ مجدییه

فراوانی وجه التزامی در مقایسه با سایر وجوه، نشان از قطعیت مؤلف رسالهٔ مجدییه در مواضع فکری و سیاسی اش دارد. از وجه امری برای توصیه‌های اصلاح طلبانه و تعالیم استعلایی بهره گرفته است و وجه عاطفی بیشتر از حالات انتقادی و تعجب نویسنده از شرح وقایع و نابسامانی‌های لشکری و کشوری و... خبر می‌دهد.

۵- ویژگی‌های بلاغی

۵-۱. فراوانی صنایع بدیع لفظی

آرایه‌های ادبی حاصل از تکرار، نظیر تکرار واژگان، واج‌آرایی، انواع جناس، قلب، اشتقاق، سجع و نظایر آن در متن رسالهٔ مجدییه بسیار دیده می‌شود و یکی از مختصات سبکی مهم نویسندهٔ این اثر در سطح ادبی به شمار می‌آید. می‌توان گفت سهم زیادی از ادبیّت و آراستگی این متن، محصول کارکرد آرایه‌های مذکور است.

۵-۱-۱. اشتقاق / شبه اشتقاق

«دقیقه‌ای از دقایق احترام را نسبت به ملّت نامرعی نمی‌گذارند» (۶)؛ «همراهان از همراهی بازماندند» (۷)؛ «رتبهٔ اولیّت و اولویت داشتند» (۱۴)؛ «به یک اجرت جزئی اجیر خود کرده‌اند» (۷۳)؛ «تقدیم این مشاغل مهمّه بی‌شک سبب تعطیل مهمام ملکی و ملکی‌ست» (۷۵).

۵-۱-۲. جناس زاید

«مثل اینکه سلام عام را به قول عوام شکوه سلطنت عجم است» (۴-۵)؛ «از لوث وجود او ملوٲ نشده» (۲۰)؛ «ایلات فیلی به طفیل عشیرهٔ بنی لام در یمین شطالعرب

سکنی گرفته» (۲۵)؛ «ثمرات همین تدبیر ریش سپهسالار را گرفت و ریشهٔ دبیر را کند» (۴۷).

۳-۱-۵. جناس مضارع و لاحق

«حکم همایون را عاطل و باطل نماید» (۵)؛ «رتبهٔ اولی را مقتضیات علم و حلم و وقار یا حفظ ضیاع و عقار از همه کار بازداشته» (۹-۸)؛ «از دین آبا ابا نماید» (۲۷)؛ «خانه را از رهن رهایی داده، خاطر از وهن تهی» (۴۲)؛ «او نیز راه تھاون پیش گرفت که مساعی او آب به ھاون سودن بود» (۶۳)؛ «جناب آقا و رمز و غمز قوة کاذبه» (۶۶)؛ «اگر شکر به تنگ خریدند و گهر به سنگ عجب نیست» (۶۷).

۵-۱-۵. جناس قلب

«لقمه‌ای ست دیرهضم و سنگین از وجع جوع خلاصی دهند» (۳۴).

۶-۱-۵. جناس ناقص اختلافی

«که قیام آن‌ها بر طریق انبیاست و قوام ایشان به پاسداری ملت غراء» (۷)؛ «دولت بی عماد می‌شد، خلف از عناد او ایمن می‌گردد» (۲۵)؛ «ای نخله طور و نخاله نوظهور» (۲۹)؛ «چشم‌ها بر هم می‌گذارند و می گذرند» (۳۰).

۷-۱-۵. جناس مُطَرَّف

«ضبط ثلث اموال اموات که اکل میته است» (۶۲).

۸-۱-۵. جناس محرف

«و در مساوی و سلوک به مساوات مایل است» (۲۵)؛ «بی شک سبب تعطیل مهام ملکی و ملکی است» (۷۵).

۹-۱-۵. جناس لفظ

«... که سیرشان از صدره سدره بیشتر نیست» (۷).

۱۰-۱-۵. جناس خط (مصحف)

«که به حالت حالیه و قرون خالیه او هیچ مناسب نیست» (۲۸)؛ «خشونت که بأس و بدی ماهوت و خامی چرم جرم را به دیوانیان راجع می‌کند» (۴۴)؛ «او نیز راه تھاون پیش گرفت که مساعی او آب به ھاون سودن بود» (۶۳) /

۲-۵. سجع

۱-۲-۵. سجع متوازی

«به سرعت منتقله و قوة منتقمه و حین رای پادشاه پناه می‌بردند» (۱)؛ «اسباب حفظ ممالک و ایمنی مسالک بود» (۷۶)؛ «راه عبور بر آینده و رونده سخت کنند» (۷۳)؛ «اگر تدبیر او با تقدیر موافق شود» (۶۱)؛ «هرگز به قلع و قمع، بلکه بر بخش ترکمانان راضی نمی‌شود» (۲۲)؛ «سحره تعطیل را تعديل کن» (۲۹)؛ «ترقی امور تجارت و زراعت...» (۴۶).

۲-۲-۵. سجع متوازن

«در طریق خوف و رجا ضلال و هدایت سلوکی دارند» (۳۹)؛ «و ترغیب و تحریر در اكتساب علوم...» (۴۶)؛ «حلم و صبر شاهنشاه را...» (۴۹)؛ «از کیل می‌کاهند و بر نرخ می‌افزایند» (۶۱)؛ «بارگاه قدس جای ملال و خواص حضرت آشفته‌حال شدند» (۶۵)؛ «رجال شهر دور این طبل و علم و ترب و کلم سینه‌زن و دسته گذارند» (۱۰).

۳-۲-۵. سجع مطرف

«مثل اینکه سلام عام را به قول عوام شکوه و سلطنت عجم است» (۴-۵)؛ «مثل سیلی که از سحاب برخیزد با خیل اصحاب می‌ریزند» (۱۰)؛ «از لوٹ وجود او ملوٹ نشده» (۲۰)؛ «محاکمات به ترازوی عقل او متوازن است نه به ترافی طرفین» (۲۸)؛ «باید عیاری به میدان بیاید که از عیار مردم بکاهد» (۵۸).

۴-۲-۵. صنعت ازدواج

ازدواج آن است که در اثنای کلام (نظم یا نثر) کلماتی را پیوسته یا نزدیک به یکدیگر بیاورند که در حرف روی موافق باشند (شمس‌العلمای گرگانی، ۴۵).
«به حسن کفایت اکفی الکفات راجع می‌نماید» (۴)؛ «از ادای تکالیف و اضاءه سراج و ارائه منهج قاصرند» (۷)؛ «پیشوایان ملت و پیشکاران دولت را مشغولیت خاطر از علاج این علت قاصر کرده است» (۱۰)؛ «ریاست کلیه حالیه زیاد مطبوع طبع ایشان

واقع شده» (۵۶)؛ «و اتصال معامله هذه السنه با سنه آتیه» (۵۶)؛ «با متجاهری مخمور مأمور شود» (۵۹)؛ «آدم عاصی با عصای مرصع به هوای خواب و صدای آب علی‌الطلیعه...» (۶۰)؛ «شاهنشاه روشن ضمیر عظیم‌النظیر بعد از آنکه...» (۶۵).

۵-۲-۵. تضمین‌المزدوج (اعنات قرینه)

تضمین‌المزدوج هماهنگ کردن دو قرینهٔ نظم یا نثر به واسطهٔ رعایت حروف روی در پایان جملات و تقابل اسجاع متوازی و مطرف و انواع جناس در حشو هر جمله است (شمیسا، ۱۳۸۶: ۴۳).

«رعایت میل جناب آقا و رمز و غمز قوهٔ کاذبه، بی‌بصران را جسور کرد و صاحب‌نظران را مجبور» (۶۶)؛ «عمری‌ست عراق عجم از اقتدار او مسمومه‌المذاق و عراق عرب از احتکار او در رحیل و انطلاق است» (۲۵)؛ «چرا مناره بلند به دامن الوند برد و یا بوی سیاه را به هادیان سمند کشیده؟» (۲۵).

۵-۳. ترصیع

«به حفظ حالت حالیه صابرنند و شاکر» (۵۴)؛ «یا مَنْ لَا یَقْبَلُهُ الْبِلَادُ وَ یَلْعَنُهُ الْعِبَادُ» (۲۰)؛ «خلق ایران مرگ‌باند از ارواح باطله و نفوس عاطله و اوهام کاذبه و ملکات ذمیمه» (۷۲).

۵-۴. موازنه

«این یک علامت خوبی‌ست بر استقامت خاطر پادشاه و حبس وزرای مرخص و خلاصی دولت و صحّت مزاج ملک و قوام ملت و نفاذ احکام عقل و نسخ فتاوی نفس و آسایش رعیت و آبادی مملکت» (۷۶)؛ «هیچ امری از من متمشی نیست، جز اخذ بی‌زحمت، کبر به معنی، استغنائی جعلی، استعفای دروغی» (۳)؛ «این عذاب مرگ‌ب است از سه ماده: شورانیدن فوج، سوزانیدن چادر سرتیپ، سنگسار کردن سرهنگ» (۳۹).

۵-۵. صنایع بدیع معنوی

از میان صنایع بدیعی، بیشترین فراوانی مربوط به آرایه‌هایی است که جنبه قیاسی، تفصیلی و تمثیلی یا تعلیل و استدلال را در متن دارند؛ آرایه‌هایی نظیر تضاد، تلمیح، ارسال‌المثل (فارسی و عربی) و تمثیل.

۱-۵-۵. تضاد و مقابله

«تشویقات اندرونی و بیرونی...» (۱۰)؛ «حاکم ردّ و قبول و منع و عطا...» (۱۲)؛ «صواب از ناصواب و گناهکار از بی‌گناه متمایز شود» (۲۰)؛ «ارضی و سماوی...» (۳۳)؛ «دهان‌های بسته باز می‌شود و کانون‌های باز بسته» (۶۲).

۲-۵-۵. تلمیح

«به عزم آن دیار که دار نصرت است، همت فرمود که تولایی به ایشان در جذب خیر کمند رستمی ست و در دفع شر جوشن داودی» (۶۵)؛ «که گویا پیرهن تن یوسف [است] و دیده‌ها که از حزن سفید شده، به بوی او بینا می‌شود» (۴۴).

۳-۵-۵. تضمین

تضمین و اقتباس آیات، احادیث، اشعار و... در متن بسیار دیده می‌شود و حاصل کاربرد آن، تقویت جنبه استدلالی مضامین مورد توجه نویسنده است. «همانا عاقبت گرگم تو بودی» (۲۱)؛ «هزار نکته باریک‌تر ز مو اینجاست» (۵۵)؛ «این خیمه بلندستون بی‌ستون شدی» (۲۵).

۳-۵-۵. ارسال‌المثل

«لیس الخبر کالعیان» (۲۰)؛ «پیدا است که از شوره سنبل نروید و از سموم فعل نسیم نیاید» (۶۶).

۶-۵. تجلّی علم بیان در رساله مجدیّه

نویسنده به فراخور مضمون، جای‌جای متن از تصاویر بلاغی و خیالی استفاده کرده است. این امر متن را از سادگی زبان رسمی و عادی دور ساخته و در کنار استفاده از آرایه‌های لفظی و معنوی، جنبه ادبی متن را تقویت کرده است.

صور خیال



تحلیل فراوانی صورت‌های خیالی در متن رسالهٔ مجدیّه، بیانگر فزونی کنایه نسبت به سایر ابزارهای بلاغی در این سطح است. علت فراوانی کنایه در متن این رساله، مناسبت کنایه و انواع آن، مثل تعریض با درون‌مایه انتقادی و طنز موجود در رسالهٔ مجدیّه است.

۱-۶-۵. کنایه

«لشکرنویس‌ها را به مورچه پی زدن مجبور کرده است» (۴۰)؛ «بوی ذهب و فضّه او را چنان مست کرد که دامنش از دست برفت» (۴۲)؛ «ثمرات همین تدبیر ریش سپهسالار را گرفت و ریشهٔ دبیر را کند» (۴۷)؛ «ورثهٔ او سائل به کف شدند» (۵۱)؛ «دماغ را از حالا بالا برده» (۵۸)؛ «بر یک جا مقیم و میخ‌دوز شده» (۶)؛ «مثل اینکه علی‌الغفله با بشرهٔ آردآلود از آسیاب بیرون بیاید» (۳).

۲-۶-۵. استعاره

«این انگورهای نوآورده هم با نطق‌های متأسفانه گاه از بخت خود اظهار تعجب می‌کنند» (۱۶).

۳-۶-۵. تشبیه

«از هر جایی صدایی بلند شود، مثل سیلی که از صحابه برخیزد با خیل اصحاب می‌ریزند» (۱۰)؛ «همچو گرگان بدرانند و به لب می‌خندند» (۳۸)؛ «رعیت و سپاهی ایران الحق از شدت ظلم و تحمیلات ناگوار، یک حالت و هیئتی هم رسانیده‌اند که آن‌ها را به هیچ چیز نمی‌توان تشبیه کرد، مگر به مریض‌هایی که بی‌بضاعت‌اند» (۴۲).

۴-۶-۵. مجاز

«عادات حاضره ایران طبایع و قلوب اهالی ملل و دول خارجه را از ملت اسلام متنفر کرده» (۱۰)؛ «از درجه اعتبار انداختن و رسوای خاص و عام کردن» (۱۱)؛ «سؤال از میان مردم برخاسته» (۵۷)؛ «فتنه بزرگ به دست وزیر خوابید» (۴۷)؛ «مست باده عرفان است و محو نظاره جانان» (۴۴).

۶. بررسی ویژگی‌های فکری رساله مجدیه

۱-۶. انتقاد از فقدان جایگاه عدالت در نظام سیاسی سنتی

در حکومت مندی سنتی، شاه برقرارکننده امنیت و عدالت است؛ اما مجدالملک به منسوخ شدن رسم عدالت و روشن شدن آتش بدعت در عصر ناصری تأکید می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۲: ۴۳۶). مجدالملک می‌نویسد: «رسم و عدل و انصاف همه جا مستحسن و فواید آنکه آسایش خلق خدا و آبادی مملکت و نیک‌نامی دولت است» (۱). مؤلف رساله مجدیه از شاه انتقاد می‌کند که تضاد بین علم و عمل شاه، عدل را که نتیجه علم و قدرت است، پوشانده و نظم مملکتی و معاملات حسنه را محو کرده است. به باور او شاه تصور می‌کند خاک ایران خانه موروثی اوست، در آن اجاره‌نشین است و واجب نیست که در آن به تعمیرات بپردازد. «همان صدا تأکیدکننده شد پادشاه را که پای خود را از دروازه ایران بیرون بگذارد» (۶۸).

۲-۶. بی‌کفایتی کارگزاران حکومتی

مؤلف در تحلیل منظومه قدرت، ظلم و ستم موجود در جامعه را قاطعانه قبول می‌کند و آن را عامل تخطی حکام می‌شمارد و گله می‌کند که به جای تنبیه کردنش از منصب بهتری به آن‌ها سپرده می‌شود. «از جمله آلات جارحه که به دست عاملین جور و تاخت‌کنندگان ایران داده شود و در تشهیر آن ناگزیرند، دو شمشیر است که به زهر پرورش یافته و خورش آن‌ها جان‌هاست: یکی از اتمام ممتولین ولایت به فتنه و فساد و اخلال عمل مالیات، دیگر نسبت مردم به تبعیت باب...» (۱۸) که این بیانگر سوء مدیریت و سوء استفاده از قدرت توسط رجال حکومتی است.

وی دربارهٔ ظلم و ستم رجال دولت نسبت به رعیت سخن می‌گوید و ظلم‌هایی را که در ایران روی داده، علّت اصلی قطع رحمت الهی، به وجود آمدن بیماری‌ها و قحطی می‌داند. «جمعی از گداهای دولتی که در این سال به اصرار میرزا عیسی و آدم‌های او به سؤال و گدایی مجبور شده‌اند، شب‌ها از رخنه‌های شهر که تازه هم رسیده، اموال مردم را می‌بردند و راه و چاه بر همهٔ مردم مسدود شده، از ریاست کلیه پیاپی اعلان می‌شود که: متوطنین شهر شب‌ها خانه‌های خود را حراست کنند؛ مثل اینکه در معنی سلطنت که استحفاظ نفوس است، خللی هم رسیده باشد» (رساله، ۵۷). او پادشاه را موظّف به پاسخگویی در مقابل ستم و بیداد به مردم می‌داند. به باور او مناصب حکومتی به افراد صالح سپرده نمی‌شود تا با رعایت مصالح ملی به تدبیر امور پردازند. او برای اصلاح این وضعیت توصیه می‌کند شاه باید وارد عمل شود، به این صورت که ابتدا این حاکمان را عزل، اموال آن‌ها را ضبط و سپس روانهٔ زندان کند، سپس آنان را مجازات نماید تا برای دیگران عبرت شود (نصری، ۱۳۸۶، ۸۸-۸۹) و اوضاع به نظم درآید. مجدالملک رواج تملّق و چاپلوسی را یکی از عوامل نابسامانی ایران می‌داند. به نظر او بیانات متملقانهٔ زبان‌آوران از اسباب عمدهٔ نابودی دولت ایران است (همان: ۹۱). او به دفاع از اصلاحات برمی‌خیزد و با معرفی حاکمان به‌عنوان خائنان به دولت و ملت، اجرای اصلاحات راستین را نیازمند کندن ریشه‌های گندیدهٔ تباهی و از میان بردن فساد می‌داند. از دید او گام نخست و بلند در راه ناهموار اصلاحات، بریدن شریان منافع حرامیان (رهبری، ۱۳۸۷: ۱۷۵) و قطع فساد است. درواقع او آگاهی مردم و خیزش آن‌ها در مقابل دولت را لازمهٔ انجام اصلاحات می‌داند. مجدالملک دربارهٔ حاکمان ولایت می‌گوید: «از کرم‌هایی که آبخور شاه از چشمهٔ ریاست کلیه است، چهار کرم‌اند. تا اهالی چهار ولایت در اعدام و نفی آن‌ها موفق نشوند به رئیس کل حالی نمی‌شود که وزرای سابق به چه جهت میرزاهای ولایتی را در کلیهٔ عمل ولایت راه نمی‌دادند» (۲۴).

۳-۶. انتقاد از اوضاع اقتصادی

مجدالملک از اوضاع نابسامان اقتصادی مردم انتقاد می‌کند. مردم توانایی پرداخت مالیات ندارند و روستاهای آباد ویران شده است. مردم حتی برای تهیه نان در تنگنا هستند. «فقرا و ضعفاى ایران که بار حکومت بیشتر بر آنها وارد است، از ولایت فریاد می‌کنند و به زبان حال از ریاست کلیه می‌پرسند که: تعدیات حکام که آخر سال به تفاوت عمل موسوم می‌شود، به حکم کیست؟» (۱۱)؛ «دیوان‌خانه بعینه دکان خبازی شده؛ هر چه پخت می‌شود، این بدبخت به اجازه عالم معهود با دراهم معدود به یوسف قرض می‌دهد که از خدای عزیز عوض بگیرد» (۲۸).

۴-۶. انتقاد از فساد نهادهای حکومتی

مجدالملک در رساله خود نابسامانی جامعه ایران را در فساد نهادهای حکومتی آن زمان می‌داند. به باور او دستگاه عدلیه، وزارت مالیه و امور لشکری از جمله نهادهای فاسد به شمار می‌آیند. در زمینه سپاه به انتقاد از وضعیت نیروی نظامی کشور می‌پردازد و ناکارآمدی و فساد دستگاه عدلیه و مالیه را از عوامل ضعف کشور برمی‌شمارد. در تحلیل وی وضعیت قشون نظامی نیز اسف بار است. وضع سربازان به قدری خراب است که در کوچ‌ها اگر از فرط گرسنگی بمیرند، کسی نیست جنازه آنها را بردارد. این در حالی است که غذای آنها صرف مشروبات رؤسایشان می‌شود. او شدت این وضع را چنان می‌داند که اگر مردم شب‌ها به سربازانی که گدایی می‌کنند کمک نکنند، خدا می‌داند که چه رسوایی‌های ایجاد می‌شود. وی معتقد است با این وضع سپاه اگر دولت‌های همسایه حمله کنند یا در داخل کشور اغتشاش و ناامنی ایجاد شود، رجال دولت با این وضع سپاه چه خواهند کرد. «قشون سایر دول در دعوی مقابله با دشمن بیم جان دارند، قشون ایران از روزی که به نوکری مجبور می‌شود، بیم نان و همیشه دچار گرسنگی و عریانی است» (۳۰).

۵-۶. شاخص‌های نقد سلطنت و حکومت‌مندی مدرن از نگاه رساله

مجدیه

مجدالملک در تحلیل خود، حکومت ایران را مجموعه‌ای مرکب از اقوام مختلف بیان می‌کند که هر قومی که بر ایران تسلط یافته، عاداتش را در آن گسترش داده است. حکومت کشور ایران «حکومتی است مرکب از عادات ترک و فرس و تاتار و مغول و افغان و روم، مخلوط درهم و یک عالمی است علی‌حدّه، با هرج و مرج زیاد که در [هر] چند قرنی یکی از ملوک طوایف مذکوره به ایران غلبه کرده‌اند. از هر طایفه‌ای عادات مکروههٔ مذمومه در ایران باقی مانده و در این عهد همهٔ آن عادات کاملاً جاری می‌شود» (۱۵-۱۶). کانونی‌ترین محور ادراک مجدالملک از حکومت‌مندی مدرن، فهم تکنیک حکومت قانون و تأکید بر آن است. وی معتقد است قانون در بنیاد حکومت در ایران وجود نداشته، این کمبود و کاستی را تنها علت تمام ناکامی‌های ایران برمی‌شمارد (حائری، ۱۳۶۴: ۳۰).

او مانند بسیاری از رجال اصلاح‌طلب زمان خود، راه‌حلّ خروج از وضعیت عقب‌ماندگی را اجرای قانون شرع می‌داند (کریمی، ۱۳۸۷: ۲۵). او معتقد است قانون خوب در شریعت اسلام وجود دارد، ولی حاکمیت نگاه سنتی، خرافی و نقلی باعث شدند ناکارآمد باشد. وی معتقد به نوعی ترکیب میان مدرنیته و دین بود؛ ترکیبی که با حاکمیت عقل انسانی در بازخوانی متن شریعت، توانایی سازگاری میان تحولات مدرن و یک جامعهٔ دینی را دارا بود. نویسندهٔ رساله در تحلیل خود، فرنگ‌رفتگان را شترمرغ‌های ایرانی توصیف می‌کند و تقلید صرف آنان از تجدد غربی را مورد نقد قرار می‌دهد. شاه به آن‌ها دل بسته، انتظار پیشرفت در امور دارد؛ در حالی که با ناکارآمدی، سبب ندامت شاه از فرستادن آن‌ها به فرنگ می‌شوند. «شترمرغ‌های ایرانی که به پطرزبورغ و سایر بلاد خارجه برگشته‌اند و دولت ایران مبلغ‌ها در راه تربیت ایشان متضرر شده، [از علم دیپلمات و سایر] علوم می‌کنند که به تحلیل و تعلّم آن مأمور بودند. معلومات آن‌ها به دو چیز حصر شده: استخفاف ملت در و تخطئهٔ دولت. در بدو ورود پای ایشان بر وی پابند نمی‌شوند که از اروپا آمده‌اند. از موجبات اخذ و طمع و بخل و حسد به مرتبه‌ای تنزیه و تقدیس می‌کنند که همهٔ مردم حتی پادشاه، با آن

جودت طبع و فراست فکذا، به شبهه می‌افتد که آب و هوای بلاد خارجه عجب چیزها از آب بیرون آورده. گویا توقف آنجا بالذات مربی است و قلب ماهیت می‌کند» (رساله، ۱۶). مجدالملک علت نبود دموکراسی را در جامعه، ظلم و ستم بعضی از رجال و این را نشان سوء مدیریت و سوء استفاده از قدرت می‌داند. وجود بی‌نظمی را ناشی از توزیع نادرست مناصب دولتی در میان مردم بیان می‌کند. «از تخمه آشتیانی دو تن به مسند وزارت متمکن می‌شوند. آن شیخ جاهل و پیر گمراه و آدم عاصی با عصای مرصع، به هوای خواب و صدای آب علی‌الطلیعه از گمرگ‌خانه به دارالصداره تفرج کند» (۶۰). او وضع مطبوعات را نامطلوب می‌داند؛ زیرا معتقد است مطبوعات به جای پرداختن به امور سیاسی و معضلات اجتماعی، مسائلی را درج می‌کنند که در کشورهای خارجی سبب تمسخر کشور است. او وزیر علوم را مسئول مطبوعات کشور و عامل این نابسامانی می‌داند. «وزارت علوم را به قصوری که علمای اعلام در نثر منتخب علوم دارند مقبول می‌دانم؛ لیکن در روزنامه اخبار ایران آنچه منطبع می‌شود، در بلاد خارجه از اسباب صحبت و خنده است و وزیر علوم مورد طعنه که مسطورات اوراق روزنامه و مطویات آن تمرّد خدم و حشم ایران و تبّلد اولیای دولت را ثابت می‌کند» (۴۴-۴۵).

۶-۶. محورهای عقلانیت و خرد حکومت‌مندی مدرن

یکی از وجوه ادراک مجدالملک از مدرنیته، مسئله گسترش عقلانیت، تخصص‌گرایی و حاکمیت عقلانیت مدرن در دستگاه بروکراسی است. او قانون همراه با شریعت را برای اداره امور کشور مطرح می‌کند. «اگر وقتی به اصرار و میل پادشاه به متابعت قانونی اقدام کردند، به اخذ وصول قانون و تفرق قوه حکمیه از قوه اجرائیه حکم نپرداختند» (۶۳). از دیگر تکنولوژی‌های در دسترس نظام سیاسی در اندیشه او ایجاد مجلس در کشور است. او وجود این مجلس را برای اجرای اموری که بر مصلحت عمومی تأکید دارد، لازم می‌داند. وی معتقد است اگر مجلس صحیح‌الاعضا برقرار شود، نظم و ترقی دولت حتمی است. بنابراین چنین مجلسی بیشتر به اصول

تمدن خواهد پرداخت تا امور فرعی (نصری، ۱۳۸۶: ۹۴). «چنان‌که اهالی ایران در این حالت که کشتی حیات ایشان به گرداب فنا نزدیک شده، این مجلس صحیح‌الاعضا را تشکیل خواهند داد و ما هم وعدهٔ صریح می‌دهیم که: نتیجهٔ این مجلس، نظم و ترقی دولت است» (۳۷). او از این مجلس انتظار اجرای قانون و نظارت بر نهادهای اجرایی جامعه را دارد.

۶-۷. سوژه‌های حکومت

۶-۷-۱. کارگزاران سیاسی

مجدالملک آثار بیماری را در اعضای هیئت دولت می‌بیند. عامل اصلی نابسامانی‌های جامعه را صدر اعظم معرفی می‌کند که به او لقب ریاست حکومت می‌دهد. به پیش‌بینی دگرذیسی و تحوّل در ماهیت نظام سیاسی و اجتماعی ایران می‌پردازد و هشدار حدوث یک امر عظیم را می‌دهد. «تنزلات محسوسه و امراض مزمنه که از این ریاست بی‌حرکت آنآ فآنآ عارض دولت ایران می‌شود، به قاطبهٔ اهالی ممالک محروسه وعده می‌دهد وقوع یک امر عظیمی را که احدی از آحاد خلق را نتوانند از آلايش آن مستثنا نمایند. رسم عدل و انصاف همه جا مستحسن و فواید آن که آسایش خلق خدا و آبادی مملکت و نیک‌نامی دولت است، ظاهر و هویداست» (۱). مجدالملک شاه را عامل اصلی نابسامانی در کشور نمی‌داند. در نظر او جدی‌ترین انتقادات به وزیران پادشاه وارد است؛ زیرا آن‌ها حکومت قانون را مخالف منفعت و موقعیت شخصی خود می‌دیدند و کوشش فراوانی می‌کردند تا ایران را از قانون دور نگه دارند (حائری، ۱۳۶۴: ۳۰).

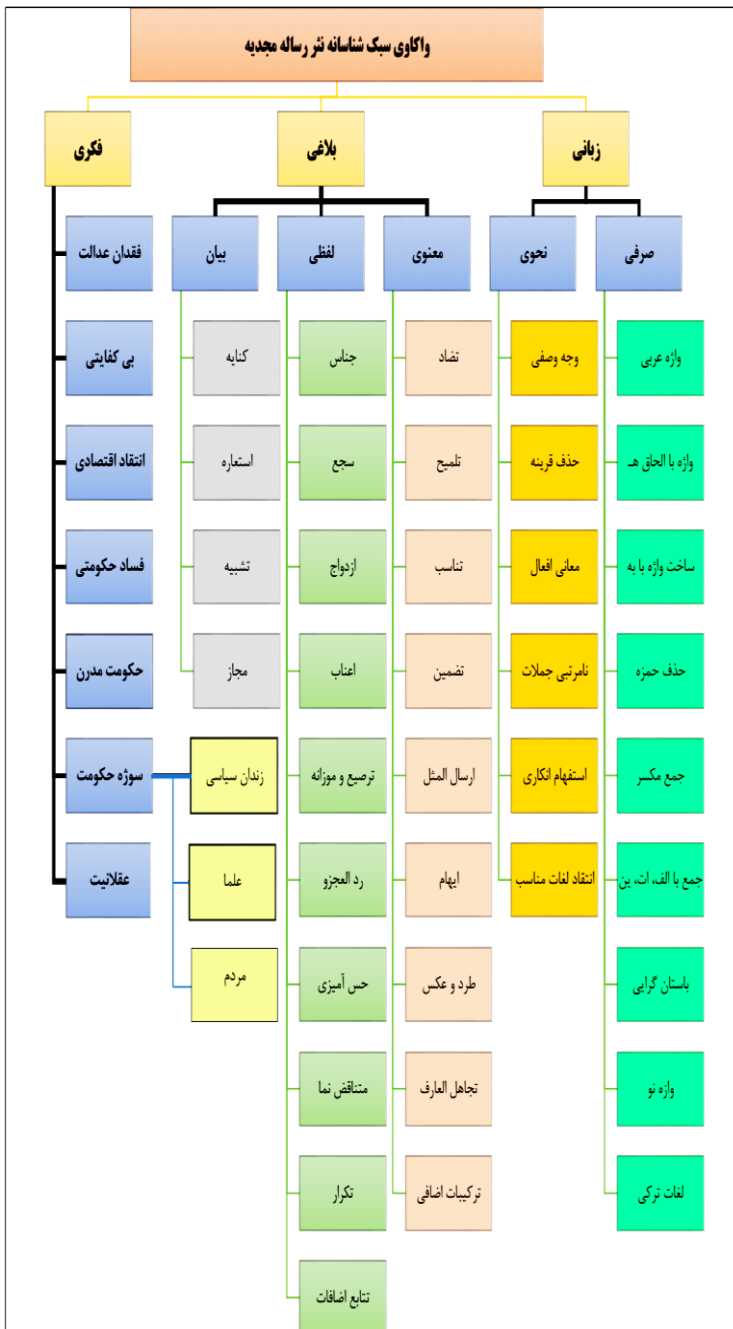
۶-۷-۲. علما

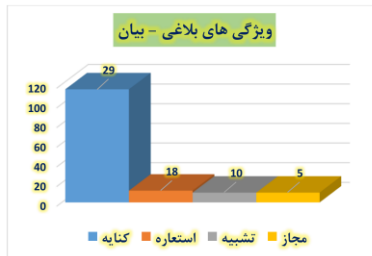
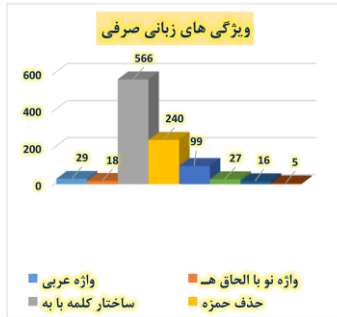
علما در جامعهٔ آن زمان جایگاه والایی در بین مردم داشتند و وظیفهٔ اصلی آنان مشروعیت‌بخشی به حاکمیت قدرت بود. او عالمان دین را راهیان طریقت انبیا برای پاسداری از ملت معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۴۴۷). وی معتقد است علما به‌عنوان نمایان امام و پاسدار شریعت در زمانی که نیاز مبرمی به راهنمایی و ارشادشان وجود

داشت، از وظیفه خود طفره رفتند (رهبری، ۱۳۸۷: ۱۷۴). «کفایت دین و هدایت حق و یقین نایبان امام و علمای اعلام که قیام آن‌ها بعد از طریق انبیاست و قوام ایشان به پاسداری ملت غرّاء، از ادای تکالیف و اضائۀ سراج و ارائه منہاج قاصرند، به اقتضای مصلحت وقت برای امروز خود تکلیفی تازه ایجاد کرده‌اند» (۷). از نظر مجدالملک گروهی دیگر از علما از ترس وقوع فتنه، بیش از حد احتیاط می‌کنند و زمانی که ظلم شدید و بدعت رواج یابد، از ترغیب عوام مضایقت ندارند. وی این گروه را مانعی برای رشد آگاهی سیاسی جامعه می‌داند. «اگر در رفع عزل و بدعت جدید که ضرر آن به ملت و دولت ایران می‌رسد و خلق را ناچار می‌کند برای اموال و اولاد خود سفارت‌ها را به وصایت اختیار کنند، حرف خیری بگویند، قادر ذوالجلال از اعانت ایشان عاجز است» (۷).

۳-۷-۶. مردم

مجدالملک وجود مردم را برای کشور مهم و ضروری می‌داند؛ به گونه‌ای که حکومت با تکیه بر مردم می‌تواند به سمت پیشرفت قدم بگذارد؛ اما وجود افراد نالایق در کشور موجب عقب‌ماندگی شده است (۶). او در توصیف این شرایط نامطلوب تا حدی پیش می‌رود که به تقسیم‌بندی مردم به دو گروه می‌پردازد. وی گروه اول را مردمی با عقل، درایت و تجربه می‌داند که با توجه به وضعیت ناگوار ایران یا فرار کردند یا در بستر بیماری‌اند و گروه دوم را مردمی با عقل متوسط می‌داند که این گروه نیز به سرنوشت و تقدیر معتقد و به حفظ وضع موجود شاکرند؛ چراکه می‌ترسند اوضاع از این بدتر شود (۸۵). او برای مردم وظایفی را برمی‌شمارد. وی وظیفه مردم را از بین بردن ظلم‌هایی می‌داند که توسط حکومت بر آن‌ها تحمیل شده است (۶۶).





نتیجه گیری

از تحلیل رساله مجدییه، ادبی ترین نثر قرن سیزدهم، با رویکرد سبک شناسی شناختی، این نتایج به دست آمد:

در سطح زبانی، نفوذ و تأثیرپذیری از صرف و نحو زبان عربی (واژگان، ترکیبات، اعلام و قواعد صرفی) به فراوانی دیده می شود. این امر تا حدود زیادی از سادگی متن کاسته و از سوی دیگر، امکان به کارگیری انواع ساخت های آوایی و بدیعی (نظیر

انواع تکرار، جناس، سجع و...) به مؤلف داده است. متن اگرچه انتقادی است، نویسنده از کلمات ریچک و قبیح بهره نبرده و شرط ادای سخن و تذکر و انتقاد احترام‌آمیز را به نحو احسن رعایت کرده است. همین امر موجب توجه بیشتر پژوهشگران به این اثر شده است.

در سطح نحوی، پرننگ‌ترین ویژگی، فراوانی وجهیت اخباری است. فزونی این وجه، بر قطعیت متن در روایت و خبرگزاری رسالهٔ مجدیة افزوده، حاکی از اطمینان مؤلف در صحت گزارشگری و تکیه بر دیدگاه‌های انتقادی و آرمانی اوست.

در سطح ادبی، از حیث بهره‌مندی از آرایه‌های بدیعی، استفاده از صنایع بدیع لفظی مخصوصاً انواع جناس، سجع و صنایعی مانند ازدواج، اعنات قرینه، موازنه و ترصیع که بنای آن‌ها بر تکرار قرار دارد، بسیار زیاد است. این امر، مهم‌ترین اساس ادبیت متن است. از میان آرایه‌های بدیع معنوی، بیشترین فراوانی با آرایه‌هایی نظیر تلمیح، تضمین و ارسال‌المثل است که جنبهٔ قیاسی، تفصیلی و استدلالی متن را تقویت کرده است.

از نظر فکری، اساس متن بر دو دیدگاه انتقادی و آرمانی (یا تعلیمی و اصلاح‌طلب) استوار است. مؤلف از یک سو بر ناهنجاری‌های اجتماعی-اخلاقی عصر اشراف دارد و آن‌ها را به باد انتقاد و طنز گرفته است و از جانب دیگر، با مطالعه در روش‌های نوین سیاسی و حکومتی، نظریات اصلاحی / آرمانی خود را ارائه می‌کند.

منابع

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۷۴)، *مآثر الآثار، ۴۰ سال تاریخ ایران*، ترجمهٔ ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- افضل‌الملک، میرزا غلامحسین (۱۳۶۱)، *افضل التواریخ*، به کوشش منصور اتحادیه نظامی مافی و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران.
- امینی، علی (۱۳۵۸)، *بیست سال بعد از امیرکبیر متضمن شرح اوضاع ایران و حوادث نیمهٔ اول سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار به انضمام رسالهٔ مجدیة*، تصحیح و توضیحات فضل‌الله گرگانی تهران: اقبال.

- آجدانی، لطف‌الله (۱۳۹۱)، اندیشه‌های سیاسی در عصر مشروطیت، تهران: علم.
- آراین‌پور، یحیی (۱۳۸۷)، از صبا تا نیما، سه جلد، چ ۹، تهران: زوآر.
- بامداد، مهدی (۱۳۷۱)، شرح حال رجال ایران در قرون ۱۲ و ۱۳ و ۱۴، تهران: صفار.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۶۴)، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران: امیرکبیر.
- حکیم‌الممالک، علی‌نقلی (۱۳۵۶)، روزنامه سفر خراسان، به کوشش ایرج افشار و دیگران، تهران: فرهنگ ایران زمین.
- رهبری، مهدی (۱۳۸۷)، مشروطه ناکام، تأملی در رویارویی ایران با چهره ژانوسی تجدد، تهران: کویر.
- سپهر، محمدتقی (۱۳۷۷)، ناسخ‌التواریخ (تاریخ قاجاریه)، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- شمس‌العلمای گرگانی، حاج محمدحسین (۱۳۷۷)، ابداع‌البدایع، به اهتمام حسین جعفری، چ ۱، تبریز: احرار.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۶)، نگاهی تازه به بدیع، چاپ دوم از ویرایش سوم، تهران: میترا.
- شیری، قهرمان (۱۳۸۹)، نثر فنی، دلایل و زمینه‌های شکل‌گیری، فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، شماره ۲، صص ۵۱-۸۰.
- طباطبایی، جواد (۱۳۹۲)، تأملی درباره ایران، تهران: مینوی خرد.
- کریمی، علیرضا (۱۳۸۷)، انقلاب مشروطه در بوتة نقد، قم: دفتر عقل.
- مجدالملک سینکی، محمد (۱۲۸۷)، رساله مجدییه یا کشف‌الغرائب، نسخه خطی، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ناصری، اکرم (۱۳۸۹)، کارکردهای سیاسی-اجتماعی تولیت آستان قدس رضوی در دوره قاجار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بیرجند.
- نصری، عبدالله (۱۳۸۶)، رویارویی با تجدد، تهران: علم.
- وهومن، هارون (۱۳۸۸)، سفرنامه‌های خطی فارسی، ج ۴، تهران: نشر اختران.
- هدایتی خمینی، عباس (۱۳۹۰)، زندگی‌نامه سیاسی و اجتماعی علاءالسلطنه (پرنس محمدعلی خان)، تهران: طهوری.